

نقد کتاب:

جامعه‌اطلاعاتی و گزارشی از فرایندهای بین‌المللی تثبیت آن *

بهزاد دوران **

مقدمه

«جامعه‌اطلاعاتی» امروز دیگر به مدد نشست‌ها^۱ و سمینارهای ملی و منطقه‌ای^۲ و پوشش مناسب خبری آن‌ها توسط سازمان‌های اطلاع‌رسانی رسانه‌ای کشور^۳، برای قاطبهٔ هموطنان و بسیاری از فارسی‌زبانان مفهومی آشنا محسوب می‌شود. آنقدر که هر روزنامه و مجله‌ای (از مجلات فنی - تخصصی گرفته تا نشریات عامه‌پسند و به اصطلاح زرد) را ورق بزنید، بعید است به مطلبی در اینباره برخورد کنید. این البته برای یک رشته علمی یا یک حوزه پژوهش تخصصی، هم خوب است و هم بد. خوب است چون از یکسو توجه سیاستمداران را جلب می‌کند و از سوی دیگر افکار عمومی را نه‌تنها پذیرای صرف بودجه در آن زمینه می‌سازد، که این امر را به خواستهٔ ایشان بدل می‌کند؛ و بد است چون از فرط تکرار و راه‌یافتن به زبان عامه باعث بی‌میلی و حتی پرهیز پژوهشگران می‌شود، و اذهان را آنقدر خسته و ملول می‌سازد که دیگر توجهی را برنمی‌انگیزد و در نتیجه هم پشتوانهٔ افکار عمومی را از دست می‌دهد و هم حساسیت اولیای امور را و بدین ترتیب، پر واضح و آشکار و حتی بدیهی است که دیگر هیچ آدم عاقلی هم پیدا نمی‌شود که برای چیزی که همه فکر می‌کنند همه چیزش را می‌دانند، ذره‌ای هزینه کند^۴. اما به رغم این همه هیاهو، هنوز کمتر پژوهش جدی و قابل قبولی در این زمینه انجام گرفته یا

* معتمدنژاد، کاظم. (۱۳۸۳). جامعه‌اطلاعاتی: اندیشه‌های بنیادی، دیدگاه‌های انتقادی و چشم‌اندازهای جهانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، مرکز پژوهش‌های ارتباطات.

** استادیار عضو هیئت علمی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران. تلفن: ۶۶۴۹۴۹۸۰؛ نمابر: ۶۶۴۶۲۲۵۴

پست الکترونیکی: dowran@irandoc.ac.ir

به زبان فارسی منتشر شده است. این کاستی البته خاص ایران نیست، که تا حدودی عارضه‌ای جهانی است (تومی ۱۳۸۳: ۷).

در هر حال کتاب حاضر در این وانفسا، چه به اعتبار عنوان پرطمطراقش (که ناشر را واداشته تا آن را ذیل مجموعه «مطالعات راهبردی» دسته‌بندی نماید)، چه به اعتبار نویسنده‌اش، و چه به اعتبار ناشرش که از دو سو به مراکز پژوهشی و دانشگاهی نسب می‌برد، در خواننده انتظارات زیادی ایجاد می‌کند. در این نوشته پس از معرفی اجمالی کتاب به ارزیابی همین نکته می‌پردازیم که تا چه پایه در برآوردن چنان انتظاراتی موفق بوده است.

معرفی کتاب

کتاب که در چهار فصل تنظیم شده است، دومین اثر از «مجموعه مطالعات راهبردی» ناشر در حوزه جامعه اطلاعاتی محسوب می‌شود.^۵ پس از یادداشت کوتاه و عمومی «مرکز پژوهش‌های ارتباطات» درباره این مجموعه، معتمدنژاد در پیشگفتار خود (صص ۵-۱) پس از اشاره به زمینه بحث، ضرورت و اهمیت آن، و هدف از تألیف کتاب و چگونگی تهیه و تدوین محتوا، به معرفی فصول می‌پردازد. وی تدوین مأخذ به زبان فارسی را در این حوزه، در شرایطی که طی سال‌های اخیر شناخت ماهیت و ابعاد جهانی فناوری ارتباطات و اطلاعات مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است، به رغم برگزاری سه سمینار ملی و منطقه‌ای و سلسله نشست‌های تدارکاتی برای شرکت در «اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی»، و مجموعه مقاله‌ها و گزارش‌های متعدد و معدود کتاب‌های منتشره طی سه-چهار سال اخیر، کماکان ضروری می‌داند؛ خاصه منابعی به لحاظ نظری جامع‌تر که علاوه بر اندیشه‌های بنیادی و دیدگاه‌های انتقادی مربوط، حاوی اطلاعاتی - هر چند کلی - درباره چند و چون گذار کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به این جامعه جدید و چشم‌اندازهای جهانی آن باشد.

مقدمه: پس از پیشگفتار، مقدمه کتاب با عنوان «جهانی‌سازی جامعه اطلاعاتی» به تشریح «روند شکل‌گیری و گسترش اندیشه‌های خاص ترویج مفهوم جامعه اطلاعاتی و سیاست‌ها و برنامه‌های قدرت‌های بزرگ و برخی از سازمان‌های تخصصی بین‌المللی برای کاربرد این مفهوم در راه گسترش فعالیت‌های اقتصادی و بازرگانی مؤسسات خصوصی بزرگ ارتباطی و فروش هر چه بیشتر تکنولوژی‌های نوین اطلاعات و ارتباطات به تمام کشورهای جهان، و به عبارت دیگر چگونگی جهانی‌سازی جامعه اطلاعاتی» اختصاص یافته است (ص ۲). بدین ترتیب، ابتدا دیدگاه‌های خوش‌بینانه درباره جامعه اطلاعاتی از سوئی، و استراتژی‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های کشورهای صنعتی (به‌ویژه ایالات متحده) در چارچوب ایدئولوژی نوآزادی‌گرا (نئولیبرالیستی) و

مسیر مقررات‌زدایی و خصوصی‌سازی ارتباطات از سوی دیگر مورد اشاره قرار می‌گیرد. سپس فرایند جهانی‌سازی نظام نوآزادی‌گرای کنونی و ارتباط نزدیک آن با جامعه اطلاعاتی تشریح می‌شود که با امضای موافقت‌نامه سازمان جهانی تجارت از سوی نمایندگان اکثر کشورها، به سلطه جهانی بخش خصوصی بر ارتباطات، صورتی عینی و عملی داده است. پس از این دو، نوبت به طرح آرای معارضه‌جویانه - بطور خاص آرای نمایندگان سازمان‌های مدنی شرکت‌کننده در اجلاس جهانی سران جامعه اطلاعاتی در ژنو - علیه دیدگاه حاکم می‌رسد که به اعتقاد مؤلف، به چالش هواداران نظم نوین جهانی اطلاعات و ارتباطات در مباحثه‌های طولانی سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ اجلاس‌های کنفرانس عمومی یونسکو، شباهت بسیار دارد. این نظرها عمدتاً بر سه نکته تأکید داشتند: (۱) بسط و تحکیم ناموازنه رسانه‌ای به نفع غرب در پی استقرار دکترین جریان آزاد اطلاعات، (۲) سلطه فزاینده صنایع ارتباطی و رسانه‌ای غربی بر فعالیت رسانه‌های کشورهای کوچک و فقیر از طریق تملک آن‌ها، و (۳) اهمیت روزافزون فناوری‌های تحت کنترل کشورهای غربی در فرایندهای تولید و توزیع رسانه‌های دیگر کشورها. در آخر برخوردهای دو دیدگاه برای برگزاری اجلاسی جهانی تا اجلاس ژنو پیگیری می‌شود - اجلاسی که به دلیل همین اختلاف‌نظرها در نهایت با دو اعلامیه نهایی خاتمه یافت.

مقدمه فصل یکم که پس از مقدمه نسبتاً مفصل مولف بر کتاب (صص ۴۱-۷)، پیش روی خواننده قرار می‌گیرد، مطلبی است که می‌توانست (و بهتر بود) فارغ از عنوان «مقدمه»، در ابتدای فصل قرار گیرد؛ چرا که تنها وجه مقدمه‌بودنش، تقدم آن در ترتیب صفحات است (نقیصه‌ای که کم و بیش در مقدمه‌های دیگر فصول نیز به چشم می‌خورد).

فصل یکم: اندیشه‌های بنیادی جامعه اطلاعاتی، در سه بخش مشتمل است بر بخش یکم: جامعه پسا صنعتی یا جامعه اطلاعاتی، در معرفی آرای «دانیل بل» و «آلن تورن» درباره جامعه پسا صنعتی؛ بخش دوم: ساختار اقتصادی جامعه اطلاعاتی، در تشریح جایگاه اقتصاد معرفتی یا اقتصاد اطلاعاتی در کنار بخش‌های اقتصادی کشاورزی، صنعتی و خدماتی بر اساس یافته‌های «فریتز مکلوپ» و «مارک‌اوری پورات»؛ و بخش سوم: از «جامعه اطلاعاتی» تا «جامعه معرفتی»، در طرح آرای هواداران کاربرد واژه «جامعه معرفتی» به جای «جامعه اطلاعاتی».

فصل دوم: چشم‌انداز جهانی جامعه اطلاعاتی، در چهار بخش مشتمل است بر بخش یکم: «اینترنت» و «جامعه اطلاعاتی»، در مرور تاریخچه پیدایش، بسط و گسترش اینترنت؛ بخش دوم: سیاست‌ها و برنامه‌های ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای بزرگ غربی در مورد جامعه اطلاعاتی، در شرح خط سیر سیاست‌ها و برنامه‌های ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپایی (و فرانسه، آلمان و انگلستان) و ژاپن برای ایجاد و گسترش بزرگراه‌ها و زیرساخت‌های اطلاعاتی؛

بخش سوم: نقش گروه کشورهای بزرگ صنعتی در پیشبرد جامعه اطلاعاتی، در معرفی اجمالی مباحث کنفرانس بروکسل (فوریه ۱۹۹۵) و تشریح بند به بند منشور آکیناوا درباره جامعه اطلاعاتی جهانی (ژوئیه ۲۰۰۰)؛ و بخش چهارم: اقدام‌ها و برنامه‌های شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد درباره کاربرد فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در توسعه، در تشریح گزارش ۴۵ بندی گروه کارشناسی فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل (مه ۲۰۰۰).

فصل سوم: نابرابری جهانی در توسعه ارتباطات، در سه بخش مشتمل است بر بخش یکم: تلفن، «حلقه گمشده» ارتباطات توسعه، در تشریح اجمالی دو گزارش کمیسیون مایتلاند (۱۹۸۴) و گزارش گروه مشورتی سیاست‌های ارتباطی (۱۹۸۹)، و مروری بر ضریب نفوذ تلفن طی سه دهه اخیر در کشورهای مختلف دنیا از جمله ایران؛ بخش دوم: حلقه گمشده جدید: شکاف دیجیتال، در تشریح گزارشی از اتحادیه بین المللی ارتباطات دور (آی‌تی‌یو) با عنوان حلقه گمشده جدید: شکاف دیجیتال (۲۰۰۲) که عمدتاً به عوامل کیفی همچون آموزش و زبان اشاره دارد؛ بخش سوم: شاخص‌های دسترسی به اطلاعات دیجیتال برای جامعه اطلاعاتی، در تشریح گزارش توسعه ارتباطات دور آی‌تی‌یو (۲۰۰۳) که به معرفی شاخص‌های دسترسی به اطلاعات دیجیتال برای جامعه اطلاعاتی و جایگاه کشورهای مختلف دنیا از لحاظ دسترسی، بر اساس نخستین نمایه جهانی دسترسی به اطلاعات دیجیتال می‌پردازد و با شرح اجمالی نقش فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در مسیر تحقق اهداف اعلامیه سران جهان به مناسبت فرارسیدن هزاره جدید (سپتامبر ۲۰۰۰) پایان می‌پذیرد.

فصل چهارم: دیدگاه‌های انتقادی درباره جامعه اطلاعاتی، در چهار بخش مشتمل است بر بخش یکم: آشنایی با چند دیدگاه انتقادی، در شرح اندیشه «آلن تورن» درباره اشکال جدید سلطه در جامعه پسا صنعتی که آن را برنامه‌ای شده می‌خواند، و شرح آنچه که «سز هاملینک» اسطوره انقلاب اطلاعات می‌نامید، و شرح منطق فرهنگی سرمایه‌داری مدنظر «فردریک جیمسون»، و شرح دیدگاه «زیگنیو برژینسکی» درباره پایان عصر امپریالیسم، و شرح نقد «روبرتو ساویو» بر روند کالایی‌سازی اطلاعات و فرهنگ در جریان جهانی‌سازی اقتصاد سرمایه‌داری؛ بخش دوم: دیدگاه‌های انتقادی «آرمان ماتلار»، اختصاص یافته به ترجمه و تلخیص مقاله وی با عنوان «به سوی جامعه اطلاعاتی جهانی: چشم‌اندازی تاریخی» ارائه شده در نخستین سمینار میان منطقه‌ای کشورهای آسیای مرکزی - غربی و جامعه اطلاعاتی (شهریور ۱۳۸۰ تهران)؛ بخش سوم: دیدگاه‌های انتقادی «آنتونیو پاسکوالی»، اختصاص یافته به ترجمه و تلخیص مقاله وی با عنوان «جامعه اطلاعاتی: موردی برای تشکیل یک دادگاه بین‌المللی» منتشره در

فصلنامه «توسعه رسانه‌ها» (دسامبر ۲۰۰۲)؛ و بخش چهارم: دیدگاه‌های انتقادی «فیلیپ کثو»، اختصاص یافته به ترجمه و تلخیص دو سخنرانی وی به ترتیب با عناوین «حقوق و اخلاق در جامعه اطلاعاتی» ایرادشده در سومین کنگره بین‌المللی اخلاق اطلاعات (نوامبر ۲۰۰۰) و دیگری «دسترسی همگانی به اطلاعات الکترونی در عصر معرفتی جهانی» ایرادشده در نخستین سمینار میان‌منطقه‌ای کشورهای آسیای مرکزی - غربی و جامعه اطلاعاتی (شهریور ۱۳۸۰ تهران).

نقد و بررسی

پیش از هر چیز باید اذعان داشت (چنان‌که پیشتر هم اشاره شد) وجود دست‌کم دو عنوان کتاب در حوزه نظری جامعه اطلاعاتی به زبان فارسی^۶، کتابی تازه در این حوزه، آن‌هم به قلم دکتر معتمدنژاد، توقع بسیار بالایی برمی‌انگیزد؛ انتظاری که متأسفانه برآورده نمی‌شود. شاید اگر عنوان کتاب به «سیری اجمالی در راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های ملی و بین‌المللی برای نیل به جامعه اطلاعاتی طی پنجاه سال اخیر به همراه برگردان چند خطابه انتقادی» تغییر می‌یافت، هم به محتوا نزدیک‌تر بود و هم تکمله مناسبی بود بر کتاب قبلی ایشان^۷. در واقع، هم رویکرد مؤلف و هم حدود ثلث مطالب کتاب حاضر (بخش یکم و عمده بخش پنجم) در هر دو کتاب ثابت است.

البته از حق نگذریم کتاب حاوی مباحث نظری هم هست، ولی به واسطه نداشتن یک چارچوب نظری مشخص و منسجم، و فقدان عمق کافی و تازگی، پاسخگوی ذهن پرسشگر مخاطب نیست. حرجی هم نیست، چرا که مؤلف اذعان دارد که محتوای کتاب را از مجموعه یادداشت‌ها و نوشته‌های پراکنده خود با هدف ارائه در کلاس یا ایراد سخنرانی به مناسبت‌های مختلف، تدارک دیده و در نتیجه نایکنواختی‌های اجتناب‌ناپذیر در صورت و محتوا و تکرار مطالب هم از این رو است - برخی مطالب با تأمل بیشتر و با ارجاع‌دهی به منابع معتبر آکادمیک و برخی دیگر در حد ترجمه و تلخیص نوشته و سخنرانی (ص ۲).

نکته دیگری که به لحاظ محتوایی در کتاب به چشم می‌خورد بدبینی آشکار مؤلف است نسبت به مفهوم جامعه اطلاعاتی؛ به قسمی که گویا دست‌هایی پس پرده می‌بیند که جهان را به سمت برآوردن اهداف مادی و سودجویانه و سلطه‌گرانه خود (گروه هشت کشور صنعتی به سرکردگی ایالات متحده آمریکا) پیش می‌برد. این توطئه‌انگاری و دسیسه‌پنداری که از همان ابتدا در گزینش معادل جهانی‌سازی به جای جهانی‌شدن برای globalization به چشم می‌خورد، هر چند ممکن است رگه‌هایی از واقعیت هم داشته باشد، اما با ساده‌سازی مفرط زمینه پیچیده حیات اجتماعی، راه را بر هرگونه تحلیل و تبیین اصولی سد می‌کند و از آنجا که متضمن

این مفروضه است که ابرقدرت‌ها (یا ایالات متحده آمریکا) بر هر کاری توانا هستند و دیگر کنشگران، بندگان دست‌وپابسته‌ای بیش نیستند، با این که به ظاهر می‌کوشد برای آحاد این کنشگران عاملیت قائل شود، ولی به واسطه موقعیت متناقض‌گونه‌اش، طرفی نمی‌بندد. در حالیکه بدون چنین مفروضه مزاحم و محدودکننده‌ای هم قابل قبول تر (و بنابراین واقع‌بینانه‌تر) می‌توان نسبت به تبیین وضعیت اقدام کرد و هم بطور پذیرفتنی‌تری می‌توان به دفاع از عاملیت آحاد در عرصه ملی و بین‌المللی پرداخت.

آخرین نکته محتوایی آن که مؤلف، واژه‌های knowledge economy و knowledge base society را به جای اقتصاد دانشی و جامعه دانشی (یا دانش‌مدار یا دانش‌محور یا دانش‌مبنا)، به ترتیب «اقتصاد معرفتی» و «جامعه معرفتی» ترجمه کرده. این در حالی است که «یزدان‌پور» معادل «جامعه دانایی» را برای واژه اخیر برگزیده (تومی ۱۳۸۳). در هر حال به جز این نقیصه نایکسانی برگردان‌ها در آثار یک ناشر (که متوجه ناشر است)، نفس معادل‌گذاری‌ها با وجود معادل‌های نسبتاً متداول مذکور^۱، موجه نمی‌نماید؛ چرا که حاصلی جز تشتت خاطر خواننده به بار نمی‌آورد.

از نکات محتوایی که بگذریم، چند نکته صوری باقی می‌ماند. نخستین نکته به ارجاع‌دهی‌ها بازمی‌گردد که به‌رغم دقتی که مصروف آن‌ها شده است، گویا در اثر اشتباهی، در «بخش دوم از فصل چهارم» نحوه ارجاع‌دهی معلوم نیست؛ در حالی که در متن به منبعی ارجاع نشده است و چنان که از متن برمی‌آید، باید ترجمه و تلخیص پیوسته مقاله‌ای واحد از «ماتلار» باشد، ولی در پایان فصل به منابعی ارجاع شده است، یا در یادداشت‌های «بخش یکم فصل چهارم» مابین یادداشت ۶ و ۷، منبعی بدون شماره از «ماتلار» آدرس‌دهی شده که محل آن نامعلوم است.

و آخر این که ناشر، کتاب قبلی مؤلف را در زمره مجموعه «مطالعات موردی» قرار داده است و کتاب اخیر را چنان که اشاره شد در زمره مجموعه «مطالعات راهبردی»؛ که با توجه به آنچه که اشاره شد بهتر بود هر دو کتاب با توجه به فرم و محتوایشان در زمره مجموعه «گزارش‌ها» قرار می‌گرفتند.

با این همه، مزایای کتاب فراوان است و صرف نظر از عنوان آن، خدشه‌ای بر جایگاه والا و منحصر به فرد آن وارد نیست؛ زیرا در ادامه و در تکمیل کتاب قبلی مؤلف، گامی ارزنده محسوب می‌شود، گامی در مسیر ارائه گزارشی دست اول و با جزئیات و حواشی فراوان از فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری- به‌ویژه در سطح بین‌المللی، آن هم در بستری تاریخی- که پرداختن بیش از این بدان، اشرافی می‌طلبد در دست کم دو رشته حقوق بین‌الملل و ارتباطات

بین‌الملل که از عهده نگارنده این سطور خارج است. ناگفته نماند که از دیگر مزیت‌های کتاب وجود کتابشناسی، و نمایه‌های جداگانه موضوعی و اعلام است.

منابع

- تومی، ایلکا. (۱۳۸۳). جامعه دانایی و پرسش‌های پژوهشی آینده (اسماعیل یزدان‌پور مترجم). تهران: دانشگاه علامه طباطبایی و مرکز پژوهش‌های ارتباطات.
- دوران، بهزاد. (۱۳۷۸). معرفی سه کتاب درباره جامعه اطلاعاتی. کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۸، ۲۵-۲۸. محسنی، منوچهر. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی. تهران: نشر دیدار.
- معتدنازاد، کاظم. (۱۳۸۲). اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی. تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطات.
- ویستر، فرانک. (۱۳۸۰). نظریه‌های جامعه اطلاعاتی (اسماعیل قدیمی مترجم). تهران: قصیده‌سرا.
- ویستر، فرانک. (۱۳۸۲). نظریه‌های جامعه اطلاعاتی (مهدی داودی مترجم). تهران: وزارت امور خارجه.
- تیتز اصلی. (۱۳۷۹). «فصلنامه نمایه پژوهش، ویژه‌نامه جامعه اطلاعاتی، ۴ (۱۵)».

پی‌نوشت

۱. برگزاری سلسله نشست‌های تدارکاتی برای اجلاس دوم سران جامعه اطلاعاتی در ژنو طی یکسال و نیم اخیر توسط مرکز پژوهش‌های ارتباطات در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
۲. نخستین سمینار میان‌منطقه‌ای کشورهای آسیای مرکزی - غربی و جامعه اطلاعاتی (شهریور ۱۳۸۰ تهران).
۳. مثل راه‌اندازی سرویس جامعه اطلاعاتی در خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا).
۴. پیامد اصلی چنین روندی جایگزینی کارهای نظری و تجربی آکادمیک (برای مثال آثار نظری «دانیل بل» و «آلن تورن»، و تحقیقات تجربی «فریتز ماکلوپ» و «مارک پورات» در دهه هفتاد) با آثار عامه‌پسند دارای اهداف خاص سیاسی است (کتاب حاضر ص ۹).
۵. نخستین اثر از این مجموعه، کتاب «ایلکا تومی» (۱۳۸۳) است.
۶. یکی نظریه‌های جامعه اطلاعاتی «فرانک ویستر» با دو ترجمه (۱۳۸۰) و (۱۳۸۲) و دو دیگر «جامعه دانایی» و «پرسش‌های پژوهشی آینده» ایلکا تومی» (۱۳۸۳).
۷. - معتدنازاد، کاظم (۱۳۸۲) اجلاس جهانی سران درباره جامعه اطلاعاتی. تهران: مرکز پژوهش‌های ارتباطات.
۸. کافی است معادل‌های جا افتاده‌ای را که برای knowledge management به عنوان مدیریت دانش (و نه مدیریت معرفت یا دانایی) یا مهندسی دانش برای knowledge engineering (به جای مهندسی معرفت یا دانایی) متداول گشته، مدنظر قرار دهیم.